

به کوبا هرگز دست نخواهید یافت

به قلم فیدل کاسترو

امیدوارم هیچکس تصور نکند که من بی دلیل بوش را مخاطب قرار می‌دهم و در عین حال امیدوارم که دلایل من به خاطر انتقادات شدید از سیاست وی به راحتی قابل درک باشد. Bob Wood Ward يك روزنامه نگار و يك نویسنده آمریکایی است. وی زمانی مشهور شد که به دنبال نشر یکسری مقاله به اتفاق کارل برشتاین در روزنامه واشنگتن پست، سبب شد تا تحقیقاتی در مورد نیکسون به عمل آید که سرانجام به استعفای وی منجر گردید. او نویسنده و یا یکی از نویسندگان ده تا از پرفروش ترین (کتابها) در آمریکاست. علاوه بر تاثیر سلاح قلم وی، هنگامی با کسی مصاحبه می‌کند با مانورهایی که می‌دهد، مصاحبه کننده را به اعتراف می‌کشاند. او در کتابش State of Denial خاطرنشان می‌کند که در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۳ یعنی سه ماه پس از آغاز جنگ در عراق، بوش هنگام خروج از دفتر کارش در کاخ سفید به دنبال يك نشست مهم، خطاب به جی گارنر در حالی که به پشتش می‌زد گفته بود «هی، جی تو می‌خواهی با ایران سرگرم شوی؟» جی در جواب می‌گوید «آقا بچه‌ها و من در این مورد صحبت کردیم و می‌خواهیم صبر کنیم تا نوبت کوبا شود. ما فکر می‌کنیم که سیگار و روم (منظور نوشابه معروف می‌باشد) کوبا بهتر از همه جاست. زنان کوبایی هم زیباترند.» سپس بوش در جواب می‌گوید «تو آن را به چنگ خواهی آورد. تو کوبا را خواهی داشت.»

بوش قربانی نادانی اش گشت. این چیزی بود که از لحظه به قدرت رسیدنش همواره بدان می‌اندیشید. بوش سیاست اشغال کوبا را هیچگاه از سر خود بیرون نکرد. گارنر يك ژنرال ارتش بود که به تازگی بازنشسته شده و از طرف بوش به ریاست نهادی تحت عنوان بازسازی و کمک انسانی در عراق منصوب شده بود که مخفیانه شکل گرفته، مستقیماً زیر نظر بوش و در چارچوب امنیت ملی فعالیت می‌کرد. بوش فکر می‌کرد او شخصیتی استثنایی است که قادر خواهد بود استراتژی نظامی اش را در جهت مطلوب هدایت کند. در ۲۰ ژانویه بود که به این سمت منصوب شد و در ۱۱ ماه مه همان سال بنا به درخواست رامسفلد برکنار گردید.

چرا که در پیشبرد اهداف استراتژیک آمریکا در عراق نتوانسته بود موفقیتی کسب کند و رامسفلد قادر نبود به بوش بگوید که گارنر تا چه حد راه خطا رفته است. او به شخص دیگری که بتواند این هدف را تامین کند فکر می‌کرد....

هم اکنون ۵۰ سال است که مردم ما هدف محاصره وحشیانه قرار گرفته‌اند. به خاطر جنگ کثیفی که به کوبا تحمیل شده است، هزاران تن از فرزندان این کشور کشته و یا ناقص العضو شده‌اند. کوبا تنها کشوری در دنیا می‌باشد که قانون جبران خسارت در موردش به

اجراء گذاشته می شود. بر طبق این قانون نیروهای مهاجر غیرقانونی مورد حمایت همه جانبه مالی و تدارکاتی قرار گرفته اند که در نتیجه این اقدامات، شهروندان کوبایی از جمله زنان و کودکان جان خود را از دست داده اند. کوبا کشوری است که طی ۱۵ سال متمادی از بنیادی ترین بازاری که در گذشته داشت محروم شده بود. دیگر همچون گذشته نمی توانست مواد دارویی، مواد انرژی زا، ماشین آلات، مواد خام و وام درازمدت با بهره کم دریافت نماید. چون که تقریباً بلافاصله پس از سقوط اردوگاه سوسیالیسم، شوروی نیز از هم پاشید. امپریالیسم آمریکا از این فرصت بهره جسته و محاصره کوبا را شدت بخشید و جنبه بین المللی بدان داد. علیرغم کمبودهایی که داشتیم مواد پروتئینی و کالری زا که به اندازه کافی توزیع می شد، به یکباره تا ۴۰ درصد سقوط کرد. نتیجه این شد که بیماری هایی از قبیل ورم و التهاب عصب چشم و.. بروز کرد. کمبود دارو به خاطر شدت یافتن محاصره فراگیر شد. آنها می خواستند که ما روحیه خودمان را ببازیم. تنها داروهایی که از طریق Caritative یافت می شد، دست به دست می گردید و منبعی برای تجارت غیراخلاقی گشته بود.

چاره دیگری نداشتیم جز اینکه دوره مخصوص را مقرر داریم. آمریکا از فرط درماندگی با تنگ تر کردن حلقه محاصره ما را هرچه بیشتر در معرض فشار قرار داده بود. به موازات شدت یافتن محاصره، دستگاه تبلیغاتی امپراطوری نیز به همان سان بی وقفه کار می کرد. عده ای با اندوه و تآثر و عده ای از سر شوق، شکست انقلاب کوبا را انتظار می کشیدند. رایج ساختن بازار کم و بیش بزرگ مبادلات ارزی، ضایعات بزرگی را از نظر اجتماعی با خود به همراه آورد. بی عدالتی اجتماعی و شکاف ایدئولوژیک نشانه بارز این ضایعات بود.

از آن زمان انقلاب کوبا به آموزش و تعلیم دادن مردم ادامه داد. صدها هزار معلم، هنرمند، انفورماتیسین تربیت شدند. علاوه بر آن در مراحل مختلف دانشگاهی در دهها رشته دیگر نیز سرمایه گذاری شد. این انباشت سرمایه انسانی به ما کمک کرد تا جلوی مرگ و میر کودکان را به میزان غیرقابل تصویری در یک کشور جهان سوم کاهش داده، میزان متوسط طول عمر را بالا برده و میانگین دوره آموزشی مردم را به ۹ سال ارتقاء دهیم.

در حالی که قیمت نفت در بازار جهانی بی وقفه در حال افزایش بود، انقلاب بولیواریایی ونزوئلا با دادن نفت به ما و ایجاد تسهیلات در امر پرداخت، باعث گردید تا امکان قابل ملاحظه ای برای ما فراهم شود تا بتوانیم نفسی بکشیم و فرصت های تازه ای را برای ما به ارمغان آورد که در سایه آن کشور ما توانست به منابع انرژی خود به میزان قابل ملاحظه و در عین حال رشد یابنده ای دست یابد.

امپراطوری که نگران منافع خود در ونزوئلا بود، در سالهای قبل از آن تهدید کرده بود که این انقلاب را سرکوب خواهد کرد. در آوریل ۲۰۰۲ درصد برآمد این قصد خود را عملی نماید. از این پس نیز هر بار که بتواند از تلاش برای دستیابی به این هدف خود دست

نخواهد کشید. به همین خاطر انقلابیون بولیواریایی نیز در صدد بالابردن میزان مقاومت برای مقابله با این تلاش آمریکا هستند. در این میان بوش به طرح احمقانه اشغال کوبا شدت بخشید. وی تا آنجا پیش رفت که قوانینی را در این رابطه اعلام نمود که بر اساس آنها، اقدامات لازمه تدارکاتی برای تشکیل يك دولت موقت و گذرا فراهم شود تا زمینه را برای شکل گیری دولت آتی و دست نشانده مجری مستقیم سیاست های امپریالیسم آمریکا فراهم سازد.

در پی واگذاری امتیاز در آمریکا به برتون وود و به خاطر کلاهبرداری نیکسون در دوره زمامداری اش، معیار سنجش طلا که ظرفیت عملکرد پولی آمریکا را محدود می ساخت، به هم ریخت و در نتیجه این امکان فراهم شد تا امپراطوری با بکارگیری اسکناس به مثابه ابزار خرید و فروش، به اقتصاد بحران زده خود رونقی بدهد و قدرت عملکرد پولی آمریکا را تا ۱۲ برابر افزایش دهد. بخش قابل توجهی از ذخیره ارزی جهانی به مثابه پشتوانه خزانه داری و ارزش پولی آمریکا به حساب آمد. این در حالی بود که هیچکس نمی خواست همچون سال ۱۹۲۹ شاهد بحران پولی دلار باشد که ارزش این کاغذ را تا حد يك پارچه کهنه تقلیل داده بود. هم اکنون به نسبت ارزش طلا، دلار فعلی (آمریکا) حداقل ۱۸ برابر کمتر از دوره زمامداری نیکسون ارزش دارد. این سقوط ارزش پولی شامل ذخیره ارزی نیز می شود. اگر این اسکناس به مثابه يك تکه پارچه کهنه همچنان ارزش ضعیف خود را حفظ می کند، به خاطر این است که با آن می توان مقدار زیادی اسلحه مدرن افسانه ای خرید که هر روز گران تر می شوند و چیزی را بازتولید نمی کنند. امروزه در ایالات متحده بیش از آنچه اسلحه به دیگر نقاط دنیا صادر می شود، در بازار داخلی مورد خرید و فروش قرار می گیرد. به لطف همین اسکناس فاقد ارزش امپراطوری می باشد که سلاح های کشتار دسته جمعی فوق العاده مدرن و به همان میزان مرگبار تولید شده و به کمک آن به استبداد جهانی خود ادامه می دهد. با تکیه بر چنین قدرتی آمریکا به خود اجازه می دهد ایده تبدیل مواد غذایی به مواد سوختی را به دیگران تحمیل کند و بدین وسیله حداقل امکان، ابتکار و تعهدات موجود برای جلوگیری از گرم شدن فزاینده و آشکار کره زمین را کاهش می دهد.....

امکان ایجاد امید به زندگی برای جامعه بشری و ادامه حیات برای کره زمین از کانال يك اقتصاد انرژی زا می گذرد. این امری است که جوامع مصرفی کشورهای پیشرفته بدان به مثابه يك فلاکت و بداقبالی می نگرند و نگران آن می باشند.

مردم کوبا همچنان رو به جلو حرکت می کند، ظرفیت جنگی خود را رشد می دهد و بهبود می بخشد و به تکمیل و توسعه توان دفاعی خود ادامه می دهد تا بتواند با سلاح های مشروع ولی فعال و موثر امکان مقابله با اشغالگر را در هر جا و با هر سلاحی که در اختیار داشته باشد به چندین برابر افزایش دهد. ما همچنان در صدد برخواهیم آمد تا مواد و قطعات لازم توپخانه شایسته را در اختیار خود داشته باشیم حتی به قیمت عدم رشد

تولید ناخالص داخلی .

با بالارفتن آگاهی و شعور اجتماعی، با تکیه زدن و پایبندی به وجدان اجتماعی و حفظ غرور ملی، سطح زندگی يك ملت می تواند سال به سال رشد کند و بهبود یابد. کافی است از اسراف جلوگیری کرد و به صرفه جویی عادت نمود تا بتوان اقتصاد را رشد داد. ما علیرغم تمام مشکلات به رشد اقتصاد خود تا آنجا که لازم و ممکن باشد ادامه خواهیم داد. خوزه مارتی می گوید «بهای آزادی زیاد است. یا باید تسلیم شد و بدون آن زندگی کرد و یا تصمیم گرفت و بهای آن را پرداخت». و یا ماسه او می گوید «هرکس درصدد اشغال کوبا برآید، اگر در جنگ کشته نشود، تنها خاک خون آلودش از آن استقبال خواهد کرد».

ما اولین انقلابیونی نیستیم که اینگونه می اندیشیم و آخرین آنها نیز نخواهیم بود. می توان يك نفر را خرید ولی يك خلق را هرگز.

من طی تقریباً يك سال برحسب تصادف توانستم زنده بمانم. از حدود يك سال پیش که من در بستر بیماری افتادم و هنگامی که بین مرگ و زندگی در جنگ و جدال بودم، در اطلاعیه ای خطاب به مردم کوبا در ۲۱ جولای ۲۰۰۶ نوشتم «کوچکترین شکی ندارم که مردم ما تا آخرین قطره خون خود مبارزه خواهند کرد و انقلاب ما به پیش خواهد رفت».

بنابر این شك نکنید آقای بوش شما کوبا را تصاحب نخواهید کرد. من به شما اطمینان می دهم.

فیدل کاسترو روز ۱۷ ژوئن ۲۰۰۷

A.C.P- Postfach 12 02 06-60115 Frankfurt am Main-Germany-Fax: 00-49-221-170 490 21
Web Site: <http://www.iranian-fedaii.de> E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de